



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر	تاریخ: ۱۲/اسفند/۱۳۹۶
موضوع جزئی: مقدمه حرام - اشکال امام خمینی به تفصیل	مصادف با: ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۳۹
محقق خراسانی - تفصیل محقق حایری	جلسه: ۷۶
سال نهم	

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم محقق خراسانی در مورد مقدمه حرام بین مقدماتی که جزء اخیر علت تامه باشد و مقدمه ای که این چنین نباشد تفصیل داده اند. ایشان فرمودند: اگر مقدمه به گونه ای باشد که با تحقق آن مقدمه و بدون دخالت چیز دیگری از جمله اراده انسان، ذی المقدمه محقق شود حرام است؛ اما اگر مقدمه به این نحو نباشد یعنی اگر همه شرائط و امکانات نیز فراهم شود اما هنوز نیازمند چیزی به نام اراده باشد، مقدمه حرام نیست. یعنی اگر فاعل اراده کند، آن گاه ذی المقدمه محقق می شود و اگر اراده نکند ذی المقدمه محقق نمی شود، این قسم دوم حرام نیست.

اصل این نظر و دلیل و وجه این تفصیل را بیان کردیم و گفتیم اشکالاتی به نظر محقق خراسانی وارد است. به دو اشکال از این اشکالات اشاره کردیم که عمدتاً مربوط به آن بخش از ادعای محقق خراسانی بود که اراده را یک امر غیر اختیاری می داند و معتقد است که امر غیر اختیاری نمی تواند متعلق تکلیفی از تکالیف واقع شود و هیچ یک از احکام خمسسه نمی تواند متوجه به اراده شود. این مطلب را مورد اشکال قرار دادیم و گفتیم از اساس حرف نادرستی است.

اشکال سوم به تفصیل محقق خراسانی

غیر از مطلبی که از محقق خراسانی بیان کردیم که اراده یک امر غیر اختیاری است، ایشان سخن دیگری نیز دارد که امام خمینی به آن اشکال کرده است.

قبلاً گفتیم که محقق خراسانی می فرماید: افعال تولیدی و اسباب تولیدی یعنی افعالی که اگر به وقوع بپیوندند ذی المقدمه و مسببش قهراً به دنبال آن محقق خواهد شد و دیگر چیزی به نام اراده این جا وجود ندارد. اما افعال غیر تولیدی به نحوی هستند که اگر همه مقدمات نیز محقق شوند، باید چیزی به نام اراده در افق نفس انسان شکل بگیرد تا ذی المقدمه و مسببش واقع شود. مثل این که کسی مقدمات شرب خمر را فراهم می کند، یعنی خمر می خورد و داخل منزل می آورد و امکانات را فراهم می کند و داخل لیوان می ریزد و لیوان را بر می دارد و تا مقابل دهان هم می آورد. برای این که خود این فعل تحقق پیدا کند باید فاعل شرب را اراده کند و خمر را داخل دهان بریزد و بلع صورت بگیرد.

پس در افعال غیر تولیدی آخرین جزء علت تامه ذی المقدمه اراده انسان است. یعنی بعد از آن که فاعل همه مقدمات را فراهم کرد، اگر اراده کند و اراده در او شکل بگیرد آن گاه ذی المقدمه یعنی آن امر حرام واقع می شود. اما اگر فعل یک فعل تولیدی باشد دیگر

نیاز به اراده ندارد زیرا اراده قبلاً واقع شده است یعنی اول اراده می کند بعد آن کاغذ را در آتش می اندازد، یعنی القاء فی النار سبب برای احراق می شود و وقتی القاء فی النار انجام شد دیگر اراده تاثیری ندارد و نمی توانیم بگوییم اراده آخرین جزء علت تامه است.

پس محقق خراسانی می فرماید: در افعال تولیدی اراده آخرین جزء علت تامه مسبب و ذی المقدمه نیست، اما در افعال غیر تولیدی اراده آخرین جزء علت تامه آن مسبب و ذی المقدمه است.

امام خمینی می فرماید: در این جهت فرقی بین افعال تولیدی و غیر تولیدی نیست و چرا محقق خراسانی بین آن ها فرق گذاشته است؟ هیچ فرقی بین این دو دسته از افعال نیست. زیرا هم در افعال تولیدی مثل القاء فی النار و هم در افعال غیر تولیدی مثل شرب الماء یا شرب الخمر اراده در مرحله متقدم واقع می شود. یعنی فاعل ابتدا اراده می کند بعد سراغ مقدمات می رود و بعد به مرحله ای می رسد که آخرین مقدمه که تحقق پیدا کرد ذی المقدمه خود به خود محقق می شود؛ لذا حتی در افعال غیر تولیدی نیز اراده نقشی ندارد.

در مورد افعال تولیدی محقق خراسانی نیز معتقد است اراده نقشی در تحقق ذی المقدمه ندارد؛ اما در افعال غیرتولیدی مثل شرب الماء یا شرب الخمر؛ باید دید اراده واقعا کجا قرار گرفته است و آخرین جزء علت تامه شرب الخمر چیست؟ آیا اراده است یا چیز دیگری است؟

اگر کسی قصد کرد که شرب الخمر کند، اولین چیزی که در ذهن او شکل می گیرد برای انجام این کار اراده شرب خمر است یعنی اولین چیزی که در نفس او محقق می شود اراده شرب خمر است که او را وادار می کند این مایع را از جایی تهیه کند و بیاورد و ابزار و آلات شرب آن را فراهم کند. پس اراده متعلق به شرب الخمر یا اراده ذی المقدمه در حقیقت اولین جزء از اجزاء علت تامه آن مسبب و آن حرام است. خود محقق خراسانی نیز به نوعی این مطلب را اذعان کرده که از اراده متعلق به ذی المقدمه یک اراده ای ترشح می کند به مقدمه. ایشان می گوید: چون فاعل قصد کرده و اراده کرده آن ذی المقدمه را انجام دهد، یک اراده ای نیز به تبع آن نسبت به مقدماتش پیدا می کند و به خاطر همین است که آن مقدمات را فراهم می کند. زیرا آن اراده اصلی نسبت به ذی المقدمه در نفس او حاصل شده است. پس این اراده قبل از انجام مقدمات است و تا این اراده نباشد اصلاً به سراغ انجام مقدمات نمی رود. اگر مسئله این گونه است چطور محقق خراسانی ادعا می کند که آخرین جزء علت تامه در مورد افعال غیر تولیدی اراده است؟

بله این جا یک نکته وجود دارد. آخرین جزء علت تامه هر چه که باشد خودش به عنوان یک مقدمه اراده می خواهد. یعنی این اراده غیر از اراده ذی المقدمه است. اگر همان شرب الخمر به عنوان یک ذی المقدمه مورد نظر باشد، قهراً مقدماتی دارد. فرض کنیم شرب الخمر فعلی است که نیاز به ده مقدمه دارد. اولین جزء و مقدمه اش خود اراده شرب الخمر است، بعد از اراده شرب الخمر حرکت به سوی بازار است، حرکت و خریدن و فراهم کردن ظرف و شرایط تا می رسد به این که این ظرف مشتمل بر خمر را مقابل دهان بگیرد و در دهان بریزد. پس اولین جزء علت تامه شرب الخمر، اراده شرب خمر است. مقدمات دیگر نیز هر کدام به عنوان این که مقدمه هستند خودشان یک عمل اختیاری هستند و نیاز به اراده دارند. یعنی تک تک مقدمات اراده می خواهند. یعنی در نفس فاعل باید اراده رفتن به خارج از منزل شکل بگیرد تا او از منزل بیرون رود و همین طور بقیه مقدمات تا برسد به آخرین

مقدمه که ریختن آب یا خمر در دهان است، این آخرین مقدمه خودش به عنوان یک عمل اختیاری نیاز به اراده دارد ولی این اراده غیر از اراده ذی المقدمه است. به عبارت دیگر این جا دو اراده داریم:

۱. اراده متعلق به ذی المقدمه که همان اول محقق می شود. اولین جزء علت تامه یک ذی المقدمه، اراده است. پس اراده ذی المقدمه اولین جزء است و بقیه مقدمات تا آخرین مقدمه نیز باید محقق شوند تا حرام محقق شود.

۲. اراده متعلق به مقدمات. هر یک از این مقدمات خودشان نیازمند اراده می باشند. آخرین جزء علت تامه که خودش یک مقدمه است نیز نیازمند یک اراده است. پس درست است که در افعال غیر تولیدی باید اراده داشته باشیم و آخرین جزء علت تامه نیز اراده می خواهد ولی این طور نیست که آخرین جزء علت تامه اراده باشد. آخرین جزء علت تامه عملی است که آن عمل نیازمند اراده است مثل همه مقدمات.

محقق خراسانی می فرماید: در افعال تولیدی آخرین جزء علت تامه اراده نیست بلکه اراده از اول حاصل می شود. اما افعال غیر تولیدی به نحوی است که آخرین جزء علت تامه اراده است. در حالیکه امام خمینی می فرماید: در هر دو دسته از افعال چه تولیدی و چه غیر تولیدی اراده آخرین جزء علت تامه نیست بلکه اولین جزء است و همه اجزاء علت تامه که مقدمات تحقق ذی المقدمه و مسبب محسوب می شوند این ها خودشان نیازمند اراده هستند آخرین جزء از اجزاء نیز نیازمند اراده است ولی اراده متعلق به آخرین جزء یعنی مقدمه آخر این غیر از اراده متعلق به ذی المقدمه و مسبب است. یک اراده متعلق به مقدمه است و یک اراده متعلق به ذی المقدمه. اراده متعلق به ذی المقدمه یعنی شرب خمر اول محقق می شود که اولین جزء است. یک اراده نیز در آخرین مقدمه شکل می گیرد ولی آن اراده متعلق به مقدمه ای است که با آن مقدمه دیگر ذی المقدمه در خارج محقق می شود. پس این سخن که محقق خراسانی فرموده صحیح نیست که در افعال غیر تولیدی اراده آخرین جزء علت تامه است.^۱ جمع بندی: اجمالاً به نظر می رسد این اشکال وارد باشد.

تفصیل محقق حایری

ایشان نیز بین دو قسم از مقدمات حرام تفصیل داده اند. ابتدا این دو قسم را بیان می کنیم و بعد دلیلی که ایشان بیان کرده اند را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ایشان می فرماید: به طور کلی فعل حرام و کار حرام بر دو قسم است:

قسم اول: افعالی هستند که فی نفسه مبعوض مولا می باشند اعم از این که به صورت ارادی و اختیاری صادر شوند یا به صورت غیر ارادی. یعنی کاری است که شارع آن را به هیچ عنوان نمی پسندد، مثل خسارت زدن به اموال دیگران که شخصی خسارتی را به مال دیگری وارد کند یا قتل که در هر صورت مبعوض مولا است، چه اراده باشد و چه نباشد، چه کسی عمداً این کار را انجام دهد و چه این که نادانسته این عمل را انجام دهد و یا در خواب این کار را کند. لذا شارع حکم به ضمان می کند ولو این که آن عمل را از روی اراده و اختیار انجام نداده باشد و شخص موظف به جبران شده است.

قسم دوم: افعالی هستند که مبعوضیت آن منوط به اراده و قصد است. یعنی اگر از روی اراده انجام شود مبعوض مولا است اما اگر به نحو غیر اختیاری انجام شود مبعوض مولا نیست.

^۱ مناہج الوصول، ج ۱، ص ۴۱۵ و ۴۱۶. تہذیب الاول، ج ۱، ص ۲۸۲ و ۲۸۳.

ایشان بعد از بیان این دو قسم از افعال حرام می فرماید: این افعال با هم متفاوت می باشند. تفصیلی که ایشان نیز بیان می کند با ملاحظه همین دو جهت است.

ایشان بر این اساس می گوید: در قسم اول از اقسام فعل حرام ما معتقد به حرمت غیری هستیم، اما در قسم دوم حرمت غیری ندارد. یعنی کانه ملازمه را بین حرمت غیری مقدمه و حرمت نفسی ذی المقدمه در یک صورت پذیرفته و در یک صورت رد کرده است. مانند محقق خراسانی که بین علت تامه و غیر علت تامه تفصیل دادند، محقق حایری نیز تفصیلشان بین دو چیز دیگر است؛ مقدماتی که «مبغوض عند المولا مع قطع النظر عن صدور اختیاراً» و افعالی که «مبغوض عند المولا اذا صدر عن ارادة و اختیار». پس اگر فعل از روی اراده و اختیار انجام نشود مبغوض نیست مثل بعضی از افعالی که انسان انجام می دهد و حرمت تکلیفی متوجه آن نیست. به نظر ایشان قسم اول حرام و قسم دوم حرام نیست.

دلیل محقق حایری

محقق حایری مانند محقق خراسانی قائل به ملازمه است و می فرماید: بهترین دلیل بر ملازمه وجدان است که محقق خراسانی بر آن تکیه کرده است. بالاخره در ما نحن فیه وقتی به وجدان مراجعه کنیم می بینیم در قسم اول حکم به حرمت می شود اما در قسم دوم حکم به حرمت نمی شود و دلیل آن را نیز وجدان بیان کرده اند.

البته این که گفتیم در قسم اول حرمت ثابت می شود، در صورتی است که علت تامه بسیط باشد و یک مقدمه بیشتر نداشته باشد که اگر آن مقدمه تحقق پیدا کرد حرام نیز محقق می شود؛ ولی به هر حال اراده مکلف در آن نقش دارد.

اما یک وقت ذی المقدمه به نحوی است که دارای مقدمات متعدد است. اگر با انجام یک مقدمه، ذی المقدمه حرام تحقق پیدا کند این جا همین علت تامه و همین مقدمه واحده به تنهایی متصف به حرمت غیری می شود. اگر این مقدمه واحده محقق شد آن ذی المقدمه هم قهراً محقق می شود. اما اگر چند مقدمه داشتیم؛ در این صورت اگر همه با هم محقق شدند آن وقت ذی المقدمه تحقق پیدا می کند. اما اگر همه مقدمات ردیف شوند و فقط یک مقدمه محقق نشود، آن ذی المقدمه نیز محقق نمی شود، این یک امر واضح و روشن است.

محقق حایری می فرماید: در جایی که مقدمه حرام متعدد باشد قائل به حرمت تخییری می شویم، یعنی می گوئیم ارتکاب یکی از این مقدمات حرام است، اما نمی دانیم کدام حرام است. اگر فرض کنیم فاعل همه آن ها را انجام داد و تنها مقدمه آخر باقی ماند آن مقدمه آخر تعییناً ارتکابش حرام است.

بحث جلسه آینده:

قسم دوم

«والحمد لله رب العالمین»